



نژادپرستی هنری و کاپیتوالسیون سینمایی

ماده‌یک بند، قوانین آکادمی اسکار برای جایزه‌بهترین فیلم بلندین‌الملو سپار تحریر آمیخت است. در این ماده‌امدنه، نام و مشخصات اعضاً کمیته‌ای که در هر کشور برای انتخاب فیلم جهت شرکت در بخش اسکار بین‌المللی تشکیل می‌شود، حتماً با پیوست آگوست به آکادمی معفوی شده و از سوی آکادمی علوم و هنرها سینمایی امریکا تایید شوند. یعنی صلاحیت شان مورد تایید آکادمی نشینان آمریکایی قرار گیرید اگرکه قرار است و برا تابعیت آمریکایی البته در بعدی دیگر دریافت کنند، مثل آن است که اعلام شود صلاحیت سپریستان، مریان و کادر فنی تیم ملی فوتیال که قرار است به جام جهانی اعزام شوند، حتماً باید از سوی فیفا تایید شو. گفته شده تاریخ دوبار تکرار می‌شود؛ بار اول با صورت رفرایز است و بار دوم کمکی زمانی روایی سپاری و حتی نیابتگان مجلس، باید از سوی سفارتخانه‌های بیگانه تایید شوند. زمانی مستشاران نظامی آمریکایی از این دندان از این راه برای فرشش راست و تجهیزات نوع کاربری آنها تایید صلاحیت کنند و زمانی کانون‌های معلم‌الحال خارجی صلاحیت شاهابری را بررسی و سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی بیگانه، نخست وزیر و وزرا را معرفی می‌کردن و حال‌الحالها بعد از آن دوست بر استعدادی در یک اتفاق کمک و مضحكه‌امز، اعضاء یک هیئت ایرانی که می‌خواهند فیلمی برای یک مرام ظاهر داشتند از اسکار دادند که در زیرلای امداد رسانی غافلیت می‌کردند.

از اینجا به بعد دیگر واقعاً وجود آن تخریم‌گاهی خیالی را باورمن می‌شانند در حالی که در اوج این خیال‌پردازی به یک اپاراید هنری یا کاپیتوالسیون سینمایی مکحوم شده‌اند، بهین مناکه در کشور خودمان برای فوتیان یک فیلم به اسکار (که در نظر خودی خوش خال‌ها، سفر فرهنگی کشور است) باید از سوی آمریکا تایید صلاحیت شو. این دیگر ایجاد تحریر و خفت و خوار است که تایید صلاحیت هم‌مندانه ویا های انتخاب داروی را از سوی کسانی و براسان ملاک‌ها و معیارهای مراکزی خواستار باشیم که اساساً با هویت و ایدئولوژی وجود ما در تقابل و تضاد استند.

ای کاش سازمان سینمایی و بنیاد سینمایی فارابی و دیگر مسئولان و متولیان سینمای ایران به هیات‌ها و کارشناسانی فکر می‌کنند که برای حضور فیلم‌های ایران در بازارهای جهانی به خصوص بازار فیلم کشورهای اسلامی و مستقل، سوره و شورهای ایرانی از این نظر این دستگاه را می‌پردازند که کدام فیلم را برای اکران در سینمای کشورهای امریکایی لاین انتخاب کنند. چه فیلمی را برای نمایش در مالک‌الحال این اتفاق نمایش فیلم‌بفرستن است. برای کشورهای شرق آسیاچه قدری بکنند مزد سرمهین های افریقایی را جگونه دریابند... اینکه بیش از هر زمانی مردم کشورهای مختلف در اقصی نقاط دنیا که از مقامات خسکی ناپذیر ایران در برادرقدت‌های جهانی حریت‌زده شده و در مقابل نیتیغات سرسام اور رسانه‌های غرب، طالب اسلام حقیقی هستند، چشم به راه اثاث واقعی سینمای ایران هستند که کوچ و ریشه‌های این مقاومت را به مانع‌گذار و دری تقلید و کیه‌های دست خدمتم از نمهنه‌های غربی و آمریکایی نباشد. آنها خواهند از درون سینمای ایران دریابدند که چه انگیزه‌های شگرفی، چنین مقاماتی را باعث شده است. به جای اکادمی نشینان آمریکایی، آن مردم را دریابیم به راه صواب نزدیکتر است.

 دیالوگ ماندگار

امین (نظریه‌پرداز مصری / فرانسوی) بیشتر در سرمایه‌سالاری و نژادپرستی و استعمار خشونت بار سرزمین‌ها و ملت‌های دیگر خلاصه شده، تقرباً همه ویزگی‌های ایدئولوژیک غرب صلیبی / صهیونی از دوران قبل و بعد از نسانس را در خود دارد؛ مانند سکولاریسم، اومانیسم، لیبرالیسم و بی‌بند و باری و ... در این ایدئولوژی، در مقابل برخسته سازی قهرمان غریبی که مظہر تمامی کمالات انسانی نمایانده می‌شود، تحفیر ملت‌ها و مردم دیگر سرزمین‌ها به عنوان افرادی درجه ۲ و پست و خفیف، محور کار قرار داشته و دارد. دیگرانی که کاه سرچوپوت بودند و گاه زدیپوست و انسان شرقی، زمامی سیاپوستان و دروانی هم سایر نگین‌بیوستان و به طور کلی هر آنچه بغرب و غربگاری مقاومت بوده و هشت.

نگاهی به فیلم‌هایی که در طول دوره‌های گذشته هموار مورد حمایت و تحلیل و گزینش مراسم اسکار بوده، خود گوایی مفہم معاوست. بورخیله‌های بزرگ‌بود رشته‌های مختلف و خط ایدئولوژیکی که هر روزه بات و درونمایه خاص در میان بزرگ‌بگان به چشم می‌خورد. هیچ مژوازی ندارد که برخوداری از هوش رشته‌ای را طلبید!

فیلم‌های ایدئولوژیک مورد علاقه اسکار

مثلاً آکادمی نشینان در مقابل حدود هشت سال جایت و سیستم گووه‌کی تزویستی به نام داعش در سوریه، به فیلم «کلاه سفیدها» درباره توریست‌های حامی داعش جایزه اسکار دادند که در زیرلای امداد رسانی غافلیت می‌کردند.

آکادمی اسکار به جز خیلی فیلم‌های جد فلسطینی که همواره در لیست بزرگ‌بگانش جای داشت مانند «کسدوسون»، «اساموسون و دیلیه»، «مونینخ» و ... به آن دسته از فیلم‌های فلسطینی اعتنای کرد که به نوعی ملت فلسطین را تحقیر کرده با خان و ترسوشنان داده آینه‌را در کاراسارابل به رسیت شناختند (فیلم‌هایی مانند حالا پیشست، عمر و پنج دورین شکسته).

در این مراسم، زمامی اثار نژادپرستهای همچون تولد یک ملت، بر باد رفته، وحشی و گیشا، پنجاه و پنج روز در پیک و در بدگاد و ... مورد توجه قرار می‌گرفت که به طور مستقیم، نژادهای دیگر اخوار و خفیف‌کی مردم زمانی که به برخوداری غیرمستقیم روی اوردنده و ظاهراً خللم به سیاپوستان را در دوران بردگه‌داری مورد نقد قرار دادند اما همواره سیاپوستان و سرخپوستانی موردنجه قرار گرفتند که به نظر پست و غیرمتمند و نیازمند یک منجی سفیدپوست اغلب چشم آبی و مو بور نشان داده اهدافی که در طول همه دوره‌ها، مو به مردم می‌شوند. این در فیلم آنی هال ذکر کرده بود، نیای رفت.

رشته‌ها و لکه جوایز اعطایی در نظر گرفته شده است. نکته قابل توجه آن است که در بیانیه فوق،

خواششان می‌آید را برایشان بفرستیم که دیگر قطعاً یک اثر به مفهوم حقیقی ایرانی نخواهد بود و احتمال داده و چشم پوشیم و به قول برضی دوستان، آنچه آنها محبت کردن خواهیم بود و برضی بازیگران و عوامل ایرانی و مددحه‌هایی که شاید در ایران ساخته شده باشد. همین و بس!

چارلی چاپلین، باستکیتون، آفرید هیچکاک، زان زانمیده شد، ذکر گردید و به سهولت و با مطالعه آن بیانیه (که مطالعه آن به کلیه اعضای کمیته شام بیانگاری هاصل امیریکا و دیگر ایالات متحده) مسلط بر سینما و هنر آمریکا در اینجا به طور ویژه هالیوود اطلاعی نداشت. این ناآگاهی و انتظارات سوارشده بر آن، مدل این است که نادانسته در داشکنده فنی، سراغ شده دامیزشکی را بگیریم یا بخواهیم روی تشكیت فوتیال بازی کنیم یا اینکه از ایک کارخانه‌ای توپیل سازی انتظارتولیدات غذایی داشته باشیم! پس قبل از هر موضوعی باید با ماهیت مراسمی مانند اسکار آشنا شد. طبیعی است که این اشتباہی بسته ای اسکار را داشته و از هر چیزی که در اینجا بود و داشتند.

کپانی‌های اصلی آمریکایی، توسعه و پخش شده باشند، به همین دلیل بوده که همواره در طول تاریخ همان بدو تأسیس پیشایش طی پیانیهای توپیل داده و اعلام کرد که چه نوع اثار نهاده و چشم پوشیم و به قول برضی دوستان، آنچه آنها محبت کردن خواهیم بود و برضی بازیگران و عوامل ایرانی و مددحه‌هایی که شاید در ایران ساخته شده باشد. همین و بس!

در اینجا از اولین اعماقیه و مانیفست مراسم اسکار و شرابی توجه آکادمی به فیلم برتر ذکر شد، طبیعی است فیلمی که آکادمی نشینان را خوش بیاید، بالطبع با فرهنگ و باورها و ریشه‌های ملت ما در تضاد است. چراکه ملت ایران و قرآن و فرهنگ آنها می‌توانند این فیلم را تحقیر کرده باشند.

برخلاف همان ایدئولوژی آمریکایی از دیرباز عالتطلب و متد نژادپرستی و تجاوز به حقوق کشورهای دیگر (استعمار) بوده و هست و فرهنگ و آداب و سوسم و سیک زندگی‌اش اساساً با سکولاریسم و اومانیسم و لیبرالیسم و بی‌بند و باری و ... سازگار نیست. بنابراین فیلمی که نایابند واقعی این ملت بوده و فرهنگ و اعتقدات و سیک زندگی‌اش را نایابند کند یعنی واقع‌سیفر فرهنگی اش باشد، قطعاً به آنده و سلیقه و باور اسکاری خواش نیامده و مورد پذیرش شان واقع نمی‌شود، مگر اینکه از همه باورها و اعتقادات و ارزش‌های ملی و فرهنگی خود کوتاه آمد و چشم پوشیم و به قول برضی دوستان، آنچه آنها خواشان می‌آید را برایشان بفرستیم که دیگر قطعاً یک اثر به مفهوم حقیقی ایرانی نخواهد بود و احتمال داده و آنچه آنها محبت کردن خواهیم بود و برضی بازیگران و عوامل ایرانی و مددحه‌هایی که شاید در ایران ساخته شده باشد. همین و بس!

دارد که آنها هم حداقل می‌باید توسط یکی از زان در فیلم آنی هال ذکر کرده بود، نیای رفت.

اهدافی که در طول همه دوره‌ها، مو به مردم می‌شوند. اهدافی که جوایز اعطایی در نظر گرفته شده رشته‌ها و لکه جوایز اعطایی در نظر گرفته شده است. نکته قابل توجه آن است که در بیانیه فوق،

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.

زمانی که فک تاسیس آکادمی علوم و هنرها

از اشاره این شهید از این اتفاق نمی‌گذرد.